

سلامی

۱.۷۴۲۲

۸۷/۱۰۷۴۲۳  
۸۷/۱۲/۲۳



دانشکده علوم انسانی و اجتماعی  
گروه تاریخ  
پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

موضوع:

**سیاست توسعه طلبی روسیه تزاری در ایران  
از زمان پتر کبیر تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م.**

استاد راهنما:

دکتر جلیل نائبیان

استاد مشاور:

دکتر عباس قدیمی

دانشجو:

آدام قارایف

کتابخانه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد و کتابخانه ملی  
تهران

۱۳۸۷ / ۰۲ / ۱۷

زمستان ۱۳۷۸

۱۰۷۴۲۳

پاسکزاری:

پیشاپیش بر خود وظیفه می‌دانم از تمام کسانی که در کلیه مراحل انجام تحقیق، اینجانب را یاری کرده‌اند  
علی‌الخصوص از اساتید گرامی آقایان دکتر جلیل نایبان و دکتر عباس قدیمی که بارها همنامی و  
مساعدت خویش امکان انجام و اتمام این تحقیق را تسهیل فرمودند پاسکزاری و تقدیر نمایم که شاید در  
مقابل لطف و عنایت و محبت آن عزیزان به وظیفه خویش عمل کرده باشم.

عنوان: سیاست توسعه طلبی روسیه تزاری در ایران از زمان پتر کبیر تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م.

استاد (استادان) راهنما: دکتر جلیل نائیبان

استاد (استادان) مشاور: دکتر عباس قدیمی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	دانشگاه: تبریز	تاریخ فارغ التحصیلی: بهمن ۸۷
رشته تاریخ عمومی جهان	دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی	تعداد صفحه: ۱۶۶

کلید واژگان: سیاست توسعه طلبی، روسیه تزاری، پتر کبیر، ایران، انقلاب اکتبر، قاجاریه

چکیده:

از زمانی که دولت روسیه تزاری متوجه توسعه اراضی در نقاط مختلف شد یکی از مناطق مهم مورد توجه دولتمردان روسیه تزاری، کشور ایران بود. راه یافتن به دریای آزاد، به دست گرفتن تجارت منطقه و نیز راه یافتن به هندوستان، ایران را در سیاست توسعه طلبی روسیه به منطقه ای حساس تبدیل نمود. سیاست توسعه طلبی روسیه تزاری از زمان پتر کبیر ۱۶۸۲ م.، به طور تدریجی و با استراتژیهای گوناگون صورت گرفته است. در این رساله مسئله با نگرش تازه ای مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این پژوهش بررسی سیاست توسعه طلبی روسیه در ایران از زمان پتر کبیر ۱۶۸۲ م. تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م. می باشد. روسیه تزاری قصد داشت از طریق ایران به دریای آزاد راه یابد و تجارت منطقه را در دست گیرد حضور انگلستان به عنوان قدرت اروپایی در منطقه نقش موثری در توسعه طلبی روسیه تزاری داشت بنابراین روسیه برای کوتاه کردن دست انگلیس از هندوستان و محدود کردن قدرت انگلیس در اروپا قصد دست یافتن به هندوستان را داشت، عوامل متعددی توسعه طلبی روسیه را در ایران تسریع بخشید.

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات پژوهش ..... ۱

مقدمه: ..... ۲

فرضیه: ..... ۴

سؤال اصلی: ..... ۵

سؤال فرعی: ..... ۵

مفاهیم واژگان: ..... ۶

### فصل دوم: سیاست های توسعه طلبانه روسیه تزاری ..... ۱۰

در دوره صفویه، افشاریه، زندیه ..... ۱۰

فضای سیاسی اروپا مقارن با دوره صفویه: ..... ۱۱

روابط ایران با روسیه در دوره صفویه: ..... ۱۵

اوضاع ایران در دوره افشاریه و زندیه: ..... ۲۱

پتر کبیر و ظهور سیاست توسعه طلبی روسیه تزاری: ..... ۲۲

پتر کبیر و روابط سیاسی و تجاری با ایران ..... ۲۷

وصیت نامه پتر کبیر اساس نامه سیاست توسعه طلبی تزاران روسیه: ..... ۳۰

اقدامات پتر کبیر در توسعه طلبی در ایران و اوضاع ایران: ..... ۳۴

قرارداد پتر کبیر با دولت عثمانی در خصوص اشغال ایالات ایران: ..... ۴۰

نخستین جلوه های سیاست های توسعه طلبانه روسیه تزاری در ایران: ..... ۴۲

### فصل سوم: نگاه کلی به اوضاع ایران و اروپا در دوره قاجاریه ..... ۴۹

ایران و غرب در دوره قاجاریه: ..... ۵۰

۸۵	فصل چهارم: روند توسعه طلبی روسیه تزاری
۸۸	زمینه های آغاز جنگ های ایران و روسیه:
۹۳	انگلیس و جنگ های ایران و روسیه تزاری:
۹۹	عهدنامه گلستان:
۱۰۲	واکنش سه گانه ایران و روسیه و انگلستان به عهدنامه گلستان:
۱۰۴	زمینه های بروز جنگ دوم بین ایران و روسیه:
۱۱۲	عهدنامه ترکمن چای:
۱۱۴	نتایج سیاسی، اقتصادی و تجاری عهدنامه ترکمن چای:
۱۲۰	قرارداد الحاقی ترکمنچای یا رژیم کاپیتولاسیون به نفع روسیه:
۱۲۱	زمینه های دخالت روسیه تزاری در امور داخلی ایران بعد از عهدنامه ترکمنچای:
۱۲۵	روابط ایران و روسیه بعد از عهدنامه ترکمن چای:
۱۲۶	انگلیس و عهدنامه ترکمن چای:
۱۲۸	سیاست توسعه طلبی روسیه بعد از عهدنامه ترکمن چای تا سال ۱۹۰۷ م.:
۱۳۴	سیاست های روسیه تزاری در ایران در ۱۹۰۴-۱۹۰۵ م.:
۱۳۶	موافقت نامه سال ۱۹۰۷ م.:
۱۴۸	نتیجه گیری:
۱۶۱	منابع فارسی
۱۶۷	منابع روسی

# فصل اول: کلیات پژوهش

## مقدمه:

این دوره در تاریخ ایران و جهان از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا در این دوره از تاریخ، ایران با مسئله جدیدی روبرو شده است و آن ظهور دولتهای قدرتمند اروپایی است که با سیاست های استعمار گرانه خود، اهداف توسعه طلبانه ای را در ایران در سرلوحه برنامه های سیاسی خود قرار دادند. سیاست های توسعه طلبانه روسیه تزاری در ایران در واقع از زمان پطر کبیر به طور تدریجی و با استراتژیهای گوناگون آغاز شد، ایران، در نظر سیاست مداران آن روز روسیه تزاری منطقه ای استراتژیک بود که راه را برای رسیدن به نیات و اهداف توسعه طلبانه روسیه تزاری هموار می نمود. روسیه تزاری در پی به دست آوردن قدرت تجارت منطقه، راه یافتن به دریای آزاد، وارد شدن در عرصه رقابت با بریتانیای کبیر با دست یافتن به هندوستان، سیاست های توسعه طلبی خود را در ایران آغاز نمود. سیاست های توسعه طلبی روسیه تزاری در ایران دارای ماهیت اقتصادی و سیاسی بود. دولت روسیه برای تحقق سیاست های توسعه طلبانه خود طی دو دوره جنگهای میان ایران و روس سرزمین های تحت حاکمیت ایران در قفقاز و شمال و شمال غربی ایران را ضمیمه قلمرو خود کرد بعد از این مرحله، یعنی مرحله نفوذ روسیه از طریق تهاجمات نظامی به ایران، مرحله دیگر یعنی نفوذ روسیه از طریق دیگر آغاز شد؛ روسیه با نفوذ در دربار ایران و دخالت در امور سیاسی و اقتصادی ایران حضور خود را در ایران استوار



بخشید تا به خواسته های خود جامه عمل پوشانند. پژوهشگر در این رساله سعی دارد

که اهداف و نیت روسیه تزاری را از توسعه طلبی در ایران مورد بررسی قرار دهد.

## فرضیه:

- هدف اساسی روسیه از توسعه طلبی در ایران راه یافتن به دریای آزاد و در دست گرفتن تجارت منطقه بود.

- روسیه تزاری قصد داشت از طریق ایران به هندوستان راه یابد.

### سؤال اصلی:

- هدف اساسی روسیه تزاری از توسعه طلبی در ایران چه بود؟

### سؤال فرعی:

آیا روسیه تزاری قصد دست یافتن به هندوستان را داشت؟

آیا روسیه تزاری در پی راه یافتن به دریای آزاد در دست گرفتن تجارت منطقه بود.

روشی که در این رساله به کار رفته روش توصیفی می باشد که با استفاده از منابع

موجود اطلاع گردآوری شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

## مفاهیم واژگان:

سیاست: کلمه عربی که در حوزه های مختلف علوم انسانی تعاریف گوناگونی دارد. در این پژوهش به مجموعه اقدامات و روش هایی که روسیه تزاری در توسعه طلبی خود در ایران انجام می داد اطلاق می شود.

توسعه طلبی: گسترش قدرت و قلمرو دولتی که به زیان دولت ها و کشورهای دیگر باشد.

## روسیه تزاری:

روسیه تزاری تا اواخر قرن پانزدهم میلادی به صورت امیر نشین های خود مختار پراکنده جزء امپراتوری مغول بودند در دوران ایوان سوم از نفوذ تاتارها رهایی یافتند و در زمان پتر کبیر به اوج قدرت خود رسید. پتر کبیر بعد از به قدرت رسیدن اقدامات زیادی در اصلاح و بهبود وضع روسیه انجام داد. تزاران روسیه عبارتند از: پتر کبیر ۱۶۸۲-۱۷۲۵ / ۱۰۸۳-۱۱۲۶ ه.ق، کاترین اول (۱۷۲۵م.) که همسر پتر کبیر بود و در دوران سلطنت ۶ ماهه او آکادمی علوم روسیه تاسیس شد. بعد از کاترین اول، پتر دوم نوه پتر کبیر ۱۷۲۷-۱۷۳۰ م. قدرت را به دست گرفت. بعد از پتر دوم، آنا ایوانوونا دختر ایوان پنجم برادرزاده پتر اول ۱۷۳۰-۱۷۴۰ م. امپراتور روسیه شد. در دوره زمامداری او آلمانها نفوذ فوق العاده ای در دربار روسیه بدست آوردند. الیزابت پترونا

۱۷۴۱-۱۷۶۲ م. ، تزار بعدی روسیه که اولین اقدام او خارج کردن روسیه تزاری از جنگ هفت ساله بود. بعد از الیزابت ، پتر سوم تزار روسیه و به دلیل عدم کفایتش در ۱۷۶۲ م. در توطئه ای به رهبری گریگوری آرولوف، برکنار شد و همسرش کاترین دوم که به کاترین کبیر مشهور شد به قدرت رسید؛ ۱۷۶۲-۱۷۹۶ م. اقدامات کاترین کبیر روسیه را به اوج خود رسانید. بعد از کاترین کبیر ، پاول اول ۱۷۹۶-۱۸۰۱ م. تزار روس شد. الکساندر اول ۱۸۰۱-۱۸۲۵ م. ، که بعد از پاول اول به قدرت رسید، در سال ۱۸۰۵ م. علیه فرانسه به متحدین پیوست . اما بعد از شکست از فرانسه در سال ۱۸۱۲ م. در تیلیسیت با ناپلئون صلح کرد. در سال ۱۸۱۵ م. با دولتهای عثمانی و ایران جنگید، در دوران سلطنت او گرجستان در ۱۸۰۱ م. و فنلاند ۱۸۰۹ م. به تصرف روسیه درآمد. بعد از او ، نیکلای اول ۱۸۲۵-۱۸۵۵ م. در نهایت استبداد حکومت کرد. در زمان او توسعه طلبی های روسیه باعث شعله ور شدن آتش جنگ کریمه ۱۸۵۴-۱۸۵۶ م. شد و روسیه وارد جنگ با عثمانی ، فرانسه ، انگلیس و پیرمون شد و این جنگ با محاصره سباستوپل و عهدنامه پاریس به پایان رسید. الکساندر دوم ، ۱۸۵۵-۱۸۸۱ م. تزار بعدی روسیه فردی اصلاح طلب و آزادی خواه بود، در سال ۱۸۶۱ م. قانون بردگی را لغو کرد و بعد از او الکساندر سوم ۱۸۸۱-۱۸۹۴ م. که با نهایت استبداد حکومت کرد. آخرین تزار روسیه نیکلای دوم ۱۸۹۴-۱۹۱۷ م. با وجود تحریکات و نهضتهای انقلابی و تروریستی به حکومت مطلقه خود پایبند بود. شکست روسیه در جنگهای روس و

ژاپن ۱۹۰۴-۱۹۰۵ م.، سبب انقلاب ۱۹۰۵ روسیه شد. در جنگ جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۸ م. شرکت جست.

پتر کبیر: بعد از درگذشت فیودور سوم بزرگان مسکو در سال ۱۶۸۲ م. پتر را که بیش از ده سال نداشت تزار اعلام کردند. اما بستگان مادر ایوان پنجم این انتخاب را به رسمیت نشناختند و چون ایوان هم به علت بیماری، قدرت در دست گرفتن زمام امور را نداشت خواهرش صوفی به جای وی در راس ناراضیان قرار گرفت. سرانجام مقرر شد ایوان پنجم و پتر کبیر تحت نیابت سلطنت صوفیا مشترکاً زمام امور را در دست بگیرند. و در سال ۱۶۸۹ م. صوفیا سقوط کرد و ایوان پنجم در سال ۱۶۹۶ م. درگذشت و پتر در این زمان یگانه تزار روسیه شد.

پتر در صدد بود تا رعایای نیمه وحشی خود را به سوی تمدن هدایت کند. بنابراین تصمیم گرفت دیواری را که سوئد، لهستان و عثمانی بین روسیه و کشورهای غربی کشیده بود در هم شکند. و روزنه ای به سوی غرب باز کند و بدین منظور جنگهایی با عثمانی و سوئد کرد و آنها را شکست داد. پتر مسافرت های زیادی به کشورهای اروپایی کرد، ارتباط پتر با اروپائیان مقیم مسکو اساسی ترین وقایع دوران جوانی و مهمترین حادثه تغییر دهنده زندگی او محسوب می شود. او در مسافرت به اروپا به طور ناشناس به عنوان نجار کشتی در هلند کار کرد، دانش قابل توجهی در تکنیکهای صنعتی و اداره ایالات به دست آورد و مصمم به مدرن کردن کشور روسیه و غربی

کردن جامعه اش شد. ممنوعیت لباس سنتی در مسکو ، قانون خدمت اجباری ،  
گشایش مدارس فنی، کاستن از قدرت و تسلط کلیسا، ساده کردن الفبا، تلاش برای  
بهبود اوضاع دربار، تغییر تقویم و ... در راستای این تصمیم او بود. پطر کبیر برای  
رسیدن به آرمان خود، روسیه مدرن و مترقی و قدرتمند نیازمند راه یافتن به دریاهای  
آزاد بود که این مسئله در وصیت نامه معروف او گنجانده شده است.

## **فصل دوم :**

**سیاست های توسعه طلبانه روسیه تزاری**

**در دوره صفویه، افشاریه، زندیه**



## فضای سیاسی اروپا مقارن با دوره صفویه:

در سال ۹۰۷ ه.ق / ۱۵۰۲ م. که دولت صفوی<sup>۱</sup> توسط شاه اسماعیل و حمایت قزلباشها تشکیل شد تاریخ اروپا وارد مرحله جدیدی می شد. از این دوره است که سیاست های توسعه طلبانه و به عبارتی تاریخی تر، استعماری اروپا به تدریج آغاز می گردد. در این برهه از زمان اروپای متحد وجود نداشت بلکه اروپا ترکیبی از پادشاهیها، ایالات شاهزاده نشین و نیز قلمروهایی با حکومت های ملوک الطوائفی و دولت شهرهای کوچک بود. یکی از بازیگران اصلی نظام سیاست بین المللی در این دوره امپراتوری عثمانی بود که با اتخاذ سیاست توسعه طلبانه، خطر عمده ای را متوجه اروپای مسیحی و غیره متحد ساخت. این امپراتوری پس از تصرف یونان، جزایر ایونی، بوسنی و وین پیشروی کرده و به خاطر خطر قریب الوقوع سقوط رم، پاپ ها

---

<sup>۱</sup> - ادوارد براون اهمیت تاسیس دولت صفوی را چنین بیان می کند: "ظهور سلسله صفویه در ایران در آغاز قرن شانزدهم میلادی نه فقط برای مملکت ایران و همسایگان او بلکه عموماً برای اروپا نیز واقعه بسیار مهمی محسوب می شد. این ظهور نه تنها منشاء برقراری شاهنشاهی ایران و تجدید استقرار ملیت ایرانی است که مدت هشت قرن و نیم چون آفتابی در کسوف بود. بلکه علامت ورود این مملکت در مجمع ملل و منشاء روابط سیاسیه است..." "سلسله صفویه که ایران را بار دیگر ملتی قائم بالذات، متحد، توانا و واجبالاحترام ساخت و نفوذ آن را در ایام سلطنت شاه عباس اول صفوی (۱۰۳۸-۹۹۶ ق. ۱۵۸۷-۱۶۲۸ م.) به حدود امپراتوری ساسانی رسید. در عین حال ادوارد براون در تبیین این نظریه می گوید: "ایران به همت سلاطین صفوی پس از هشت قرن و نیم دوباره ملتی گشت، این راست است. لیکن ملتی که به این ترتیب ایجاد شد با انواع ملت‌هایی که اکنون میان ما مصطلح است از بسیاری جهات متفاوت بود (ادوارد براون، تاریخ ادبی ایران از آغاز تا ضایان قاجاریه، ج ۴، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات بنیاد، تهران، ۱۳۶۴، صص ۲۵-۱۸). والتر هیتس نیز تاسیس حکومت واحد ملی ایران را مدیون شیوخ صفوی می داند؛ اسماعیل متولد (۱۷ ژوئیه ۱۴۸۷ م.، ۱۸۹۲ ق. پس از حدود نه قرن تسلط بیگانگان البته با وقفه های کوتاه زودگذر توانست اولین حکومت ملی ایران را تاسیس کند) والتر هیتس، تشکیل دولت ملی در ایران، حکومت آق قویونلو و ظهور دولت صفوی، ترجمه کیکاووس جهاننداری، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۸۸). البته باید اذعان کرد که نظریات ادوارد براون و هیتس راجع به صفویه از سوی پژوهشگران مورخ دیگر، مورد انتقاد و جرح و تعدیل قرار گرفته است. فاروق سوم معتقد است که از میان طرفداران نظریه ملی بودن دولت صفوی در میان دانشمندان مشهور کسی باقی نمانده است. او دولت صفوی را احیا کننده امپراتوری ایلخانی می داند. (فاروق سومر، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، ترجمه احسان اشراقی و محمد تقی امامی خویی، نقش گستره، تهران، ۱۳۷۱، ص ۵). همانگونه که پیداست در ماهیت دولت صفوی نظرات گوناگون است.

را در موجی از وحشت فرو برده بود و در سمت مرزهای شرقی، بخش هایی از اراضی ایران را به اشغال خود درآورده بود و همچنین امپراتوری عثمانی با دولت روسیه تزاری درگیریهایی مرزی داشتند. فضای سیاسی اروپا در این دوره تحت تاثیر عوامل متعددی از جمله جهش های تکنولوژیکی، تحولات صنعتی، نظیر پیدایش کشتی های بادبانی مجهز به توپهای دور برد، ظهور بازرگانی و از همه مهمتر طغیان حس قدرت طلبی و ثروت اندوزی اروپائیان و نیز به وجود آمدن دولتهای استعمارگر در عرصه روابط سیاسی قرار داشت، مهمترین این دولت ها عبارت بودند از: اسپانیا، پرتغال، انگلستان، فرانسه، هلند، بلژیک، ایتالیا، روسیه و آلمان. بارتمی دیاز در سال ۱۴۸۶م. ق. از دماغه امیدنیک گذشت و وارد اقیانوس هند شد ولی نتوانست خود را به هندوستان برساند و به پرتغال بازگشت. دوازده سال بعد یعنی در ۱۴۹۸م. ق. دریاسالار معروف پرتغالی و اسکودوگاما از همان راه خود را به هندوستان رسانید و سال بعد به پرتغال در هندوستان و سایر نواحی باز کرد و بر اعتبار سیاسی آن دولت افزود چنانکه پادشاهان پرتغال از آن پس خود را " خداوند کشتی رانی و فتح و تجارت هندوستان و حبشه و عربستان و ایران " می نامیدند.<sup>۱</sup>

خطرات ناشی از برتری جویی و توسعه طلبی دولت عثمانی یکی از مسائل عمده و مشترک بین دولت صفوی و اغلب دولتهای اروپایی بود که موجب نزدیکی آنها به

---

<sup>۱</sup> نصرالله فلسفی، تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، تهران، ۱۳۱۶، ص ۵.

ایران و انعقاد پیمان های نظامی و اقتصادی علیه عثمانی می شد. البته دولت های اروپایی نیز در توسعه طلبی و استعمار در سرزمین های جدید و ثروتمند رقابت صنعتی با یکدیگر داشتند. در عصر انتقال قدرت از تیموریان به صفویان، شرایط خاصی بر منطقه حاکم بود. دولت های همسایه پیوسته مرزها را مورد تهاجم قرار می دادند، این حرکت های تعرضی به طور عمده از طرف دولت عثمانی در غرب ایران، ازبکان<sup>۱</sup> و اخیراً افغانها در شرق ایران، دولت روسیه از طرف شمال و دولتهای اروپایی دیگر از طرف جنوب ایران صورت گرفت.

سیاست های خارجی ایران نسبت به امپراتوری عثمانی، ابتدا به باز پس گیری آن بخش از اراضی معطوف بود که دولت عثمانی آن را از ایران جدا کرده بود. با این حال شاهان دولت صفوی به منظور برقراری روابط دوستانه با همسایه غربی خود، پیش قدم شده و هیات های دیپلماتیک متعددی به دربار سلاطین عثمانی اعزام کردند، آنان با تکیه بر این اصل اولیه که " دولت عثمانی به دوستی با کفار " نیاز ندارد، از پیوستن به پیمانها و اتحادیه های نظامی با اروپایی ها علیه دولت عثمانی اجتناب می کردند اما با توجه به این که در طول حاکمیت صفویان، حفظ و نگهداری مرزهای غربی از تهاجم دولت عثمانی، بخشی از سیاست خارجی منطقه ای ایران را تشکیل می داد. و در نتیجه برای مقابله با اقدامات توسعه طلبانه عثمانی، ایران به سیاست نزدیک شدن به دولت

---

<sup>۱</sup> سخانبابا بیانی، تاریخ نظامی ایران، جنگهای دوره صفویه، نشریه ستاد بزرگ ارتشتاران، ۱۳۵۳، ص ۳۶۲.

های اروپایی روی آورد. دولت عثمانی به عنوان یکی از دشمنان سیاسی خاندان صفوی درآمد و بخش زیادی از فعالیت های سیاست خارجی ایران را به خود اختصاص داده بود. مسئله دیگری که در کانون سیاست های منطقه ای ایران قرار داشت، ناآرامی در مرزهای شرقی بود. ازبکان با حملات خود موجب خرابیهای زیادی در خراسان می شدند. با این که هر بار به شدت سرکوب می شدند، اما به صورت پتانسیل تهدید در سمت شرق ایران باقی ماندند. هر موقع که قدرت حکومت مرکزی ایران رو به ضعف می نهاد و یا کشور عثمانی به ایران حمله می کرد، راه عصیان نیز بر آنها هموار می شد. دولت ایران هم برای پرهیز از درگیری هم زمان در دو جبهه غرب و شرق با استفاده از شیوه های دیپلماسی، از استقرار صلح موقت در یک جبهه، به تمرکز قوا در جبهه دیگر و سرکوبی عامل تهدید مبادرت می ورزید. افغانها نیز در اواخر سلطنت شاه سلطان حسین صفوی هم زمان با افول قدرت ایران سر برآورده باعث تسریع انقراض صفویان شدند.